

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ماهنامه‌ای است که باهدف اطلاع رسانی در زمینه کتاب و مسایل نشر و کمک به ارتباط خلاق بین پدیدآورندگان، ناشران، کتابداران و سایر فعالان عرصه نشر و فرهنگ کشور از سوی موسسه نمایشگاههای فرهنگی و خانه کتاب ایران انتشار می‌یابد.

هر ماه فهرست کامل انتشارات ماه پیشین که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است و در نظام اطلاع رسانی خانه کتاب ایران وارد شده‌اند بر اساس نظام رده‌بندی دهدهی دیوبندی ارائه می‌شود. شناسه کتابها تا حد امکان - حداقل کتابهای چاپ اول - با خلاصه‌ای از کتاب همراه است. در پایان این بخش نمایه‌ها نیز آورده شده است.

مستولیت نقد و ارزیابی کتاب و مسایل کتاب بر عهده نویسندگان است و به هیچ وجه به منزله نظر رسمی خانه کتاب نیست.

سر دبیر:

عبدالرسول خیراندیش

بخش فهرست و خلاصه کتاب:

مدیریت اطلاع رسانی و خدمات
رایانه‌ای

مدیر فنی و هنری:

محمد گرمی

مدیر داخلی:

مسعود سلیمی

همکاران این شماره:

منصور صفت‌گل، مصطفی ندیم، محمد جواد فخرایی، دکتر ابوالقاسم فروزانی، عبدالکریم مشایخی، دکتر حسین مفتخری و مجتبی تبریزنیا

لیتوگرافی:

پان‌گرافیک

چاپ و صحافی:

آتی‌بین

نشانی: تهران خیابان انقلاب بین صبا و

فلسطین شماره ۱۱۷۸

صندوق پستی ۱۴۵۵-۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۴۱۵۲۵۵ - ۶۴۱۴۷۵۰

رنسانس

پرسش بزرگ تاریخ جهانی

● دکتر عبدالرسول خیراندیش

به بهانه انتشار ترجمه کتاب

فرهنگ رنسانس در ایتالیا



نقش اصلی این کتاب برای فرهنگ تاریخی ما تصحیح استنباط‌های نادرست و تصورات خلاف واقع از رنسانس و نمودن چهره‌ای واقعی، روشن و دقیق از پدیده رنسانس است.

چند قرن است که در تاریخ جهانی به خصوص در مباحث تاریخ اروپا، رنسانس از مسائل مهم و بحث‌انگیز به شمار می‌آید. روشنفکران و مورخان قرون هجدهم و نوزدهم میلادی آنرا نقطه عطفی در تاریخ بشر قلمداد نمودند و هرچند هنوز در مورد جایگاه آن در توسعه و ترقی تمدن جدید غرب متفق القول نیستند اما در کشور ما عامه را عقیده بر آن است که نه تنها رنسانس مقدمه و زمینه‌ساز ترقیات اروپا بلکه اصلاً قسمتی از آن ترقی به شمار می‌آید. انتشار ترجمه کتاب «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» اثر یاکوب بورکهارت می‌تواند کمک بزرگی به تصحیح دانش عمومی جامعه ما از مسئله رنسانس باشد. حتی چندان به دور از حقیقت نخواهد بود اگر بگوئیم که داورهای غیر علمی و به دور از دانش و فن بسیاری از اهل تاریخ و به طور کلی علوم انسانی را نیز می‌تواند تصحیح کند.

آقای محمد حسن لطفی مترجم محترم کتاب آنرا از متن آلمانی با عنوان

Die Kultur der Renaissance in Italien. Jakob Burckhardt. Safari - Verlag Carlboldt. Berlin. Germany. 1941.

ترجمه کرده‌اند که این به دلیل استفاده از زبان اصلی کتاب مزیتی است. اما اینکه ایشان در نخستین سطر از مقدمه خویش می‌نویسند این نخستین اثر مستقلی است که درباره رنسانس در زبان فارسی انتشار می‌یابد بهتر بود با دقت بیشتری اظهار می‌شد. در مجموعه تاریخ تمدن نوشته ویل دورانت کتاب پنجم به رنسانس اختصاص دارد که با توجه به زمان طولانی تألیف کتاب ایشان و نیز با توجه به چاپ جدید آن به وسیله ناشر ایرانی که مجلدات ده‌گانه کتاب را عرضه کرده‌اند و نیز عدم یکسانی کامل کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت از نظر سبک و سیاق تاریخ‌نگاری می‌توان آنرا اثر مستقلی به شمار آورده و به خوانندگان معرفی کرد. در سال‌های قبل از انقلاب نیز کتابی با عنوان «ریشه اقتصادی رنسانس» نوشته سبزواری (شریعتی) منتشر شد که هم دارای حجم اندکی است و هم دیدگاهی اقتصادی، اجتماعی از رنسانس را مطرح می‌سازد و به فردیت که اساس کتاب بورکهارت هست بهایی نمی‌دهد نظر به تقدم این اثر (منظور تاریخ

رنسانس از مجموعه تاریخ تمدن نوشته دوپل دورانت) بر کتاب بورکهارت در ارائه به خواننده فارسی زبان و به دلایلی که در دنبال خواهد آمد نخست نگاهی کوتاه به خواهیم انداخت:

در میان حدود یکصد و نود منبعی که ویل دورانت در تاریخ رنسانس مورد استفاده قرار داده کتاب بورکهارت با مشخصات:

BURCKHARDT . JACOB . The Civilization of "the Renaissance in Italy . London . 1914 نیز دیده

می شود که با گذاشتن ستاره‌ای در کنار آن به مانند حدود پنجاه اثر دیگر - از مجموعه منابع مورد استفاده خویش - بر آن جهت مطالعه بیشتر تاکید کرده است.^۳ ویل دورانت در تاریخ رنسانس خویش که مقدمه آنرا به تاریخ اول دسامبر ۱۹۵۲ م. امضا کرده است از اثر یا کوب بورکهارت استفاده بسیار کرده و اینرا هم از طرح کلی کتاب او و هم از برخی قضاوت‌هایش می توان دریافت. هرچند تاریخ رنسانس ویل دورانت از نظر تلفیق زمان و مکان تلاش مجدانه‌ای را نشان می دهد اما از نظر تحلیل و مفهوم پردازی به هیچ وجه به پای اثر بورکهارت که حدود یک قرن قبل نوشته شده نمی رسد. اثر بورکهارت که سنت فلسفی تاریخ نگاری ژرمنی به خصوص تاثیرات تاریخ نگاری انتقادی را در خود دارد در مرتبه بالاتری از تفسیر تاریخی قرار می گیرد. این نکته (تنزل) را بایستی به حساب تاریخ نگاری مغرب زمین گذاشت یا تفاوتی میان این دو مورخ مسئله اصلی این نوشتار نیست اما باید بر این نظر آقای لطفی مترجم محترم کتاب صحنه گذاشت که اثر بورکهارت از کتاب‌های کلاسیک درجه اول به شمار می آید. او در معرفی کتاب و نویسنده آن می آورد:

«نویسنده کتاب. یا کوب بورکهارت (۱۸۱۸ - ۱۸۹۷) یکی از بزرگترین پژوهندگان تاریخ در قرن نوزدهم است. چندی اسناد دانشگاه‌های بازل و زوریخ (در سوئیس) بود و دعوت دانشگاه برلین را برای جانشینی لئوپولد رانکه یکی از بزرگترین پژوهشگران تاریخ که برای هر دانشمندی در این رشته مایه افتخار بزرگی بود، رد کرد و بقیه عمر را به تدریس و تصنیف در وطن خود گذراند. در سال ۱۸۵۳ نخستین نوشته خود را با عنوان «عصر کنستانتین بزرگ» و در ۱۸۶۷ «هنر معماری رنسانس» در ایتالیا را منتشر کرد و پس از مرگش «مقاله‌هایی درباره تاریخ هنر در ایتالیا»، «مقاله‌هایی در تاریخ فرهنگ یونان»، «تأملات در تاریخ جهان» و «داوریهای درباره تاریخ و تاریخ نویسان» انتشار یافت.

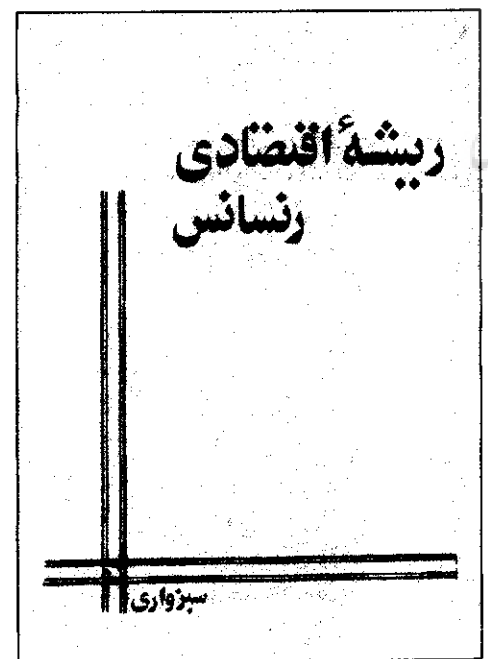
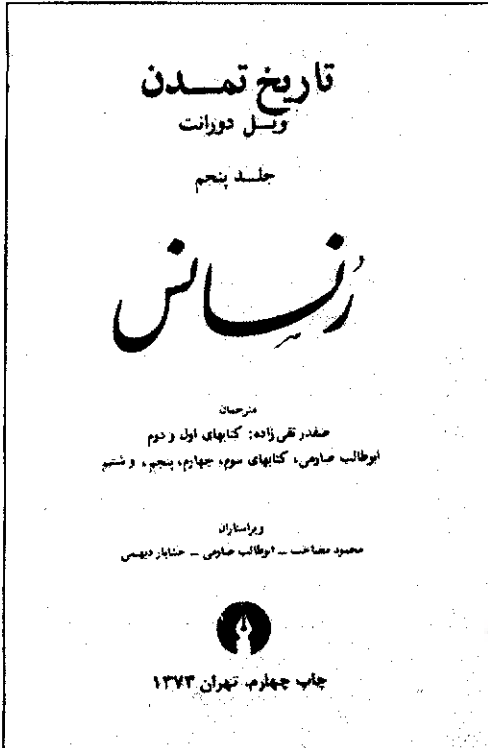
مهمترین اثر او «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» است که در ۱۸۶۰ در دوست نسخه منتشر گردید. در آغاز چندان استقبال از آن به عمل نیامد و نه سال طول کشید تا چاپ دوم آن انتشار یافت. ولی به تدریج ارباب نظر قدر کتاب را شناختند به طوری که در سال ۱۹۲۴ چاپ چهاردهم در دسترس خوانندگان قرار گرفت.

این کتاب، چنانکه از مقدمه آن نیز بر می آید، نخستین کتابی است که درباره رنسانس نوشته شده است. به همه زبان‌های مهم اروپایی ترجمه شده است و با اینکه درباره رنسانس نوشته‌های متعدد در زبان‌های مختلف، چه به تقلید از آن و چه به دون قصد تقلید از آن انتشار

یافته است، هنوز کتاب حاضر نوشته‌ای کلاسیک در این موضوع، و به طور کلی یکی از کتاب‌های کلاسیک درجه اول، به شمار می آید.^۴ اهمیت مقام بورکهارت و تاثیر او در مورخان بعدی که درباره رنسانس کتاب نوشته‌اند را می توان در اغلب آثار تاریخی مربوط به رنسانس دید.

همان‌گونه که از عنوان کتاب بورکهارت بر می آید او رنسانس را در محدوده ایتالیا و به زبان دقیق تر در نیمه شمالی ایتالیا دیده است. هرچند علیرغم تذکر مترجم در مورد «خواننده مبتدی» این کتاب مناسب کسانی که گام‌های نخست را در مطالعه و آموزش تاریخ می پیمایند نیست اما راقم این سطور لازم به تذکر می داند که رنسانس در قدم اول و به عبارتی در کلیت و تمامیت خود ایتالیایی است. این از آن روست که رنسانس در دیگر کشورهای اروپایی مانند فرانسه، هلند و انگلستان متأخر از ایتالیا بوده و چون با مسائلی چون پیدایش اومانیست‌های اخلاقی چون اراسموس و زویگلی یا مصلحان دینی چون لوتر و کالوین یا وطن پرستانی چون هایز و توماس مور همراه بوده لذا تفاوت‌های فراوانی با رنسانس ایتالیایی دارد و بدین جهت گاه بدان «رنسانس شمالی» اطلاق می شود و گاه در مجموعه مسائل مربوط به نهضت پروتستان گنجانیده می شود. لذا صرف نظر از تشکیک‌ها و تعاریف و تحدیدهای خاصی که دلمشغولی مورخان است نوع ایتالیایی رنسانس یا همان رنسانس معروف حد فاصل قرون سیزده الی شانزده میلادی را در بر می گیرد و جلوه‌گاه اصلی آن نیز شهرهای نیمه شمالی ایتالیا یا همان ایتالیای شمالی و مرکزی چون فلورانس، ونیز، ژنوا، میلان، رم و ... بوده است. کتاب بورکهارت با تعیین این محدوده زمانی و مکانی شکل می گیرد و در سراسر متن نیز بدان وفادار می ماند هرچند در این زمینه تا بدان حد اصرار می ورزد که تاثیر عوامل خارجی در پیدایش و زوال رنسانس ایتالیایی را به نسبت اوضاع داخلی ایتالیا کمرنگ می سازد. در حقیقت بورکهارت به نوعی درونگرایی در شناخت رنسانس روی می آورد و تاثیرات بیرون از اروپا و حتی اروپایی بیرون از ایتالیا را تا حدود زیادی نادیده می گیرد. این امر مقدمات تکوین رنسانس را به خصوص در جهت یافتن مدخل زمانی مناسب با آن سخت دچار مشکل می سازد و این خود برای خواننده غیرمتخصص تسلط بر کتاب و درک مضامین باریک و دقیق آنرا با مشکل مواجه می سازد. شاید در رفع این مشکل بوده است که مترجم محترم کتاب خود را ناچار دیده که بخش اعظم یادداشت خویش بر ترجمه را به سیری در تاریخ اروپا و بیان مقدمات لازم برای معرفی رنسانس اختصاص دهد. کاری که به دلیل اجمال چیزی از ابهام مسئله نکاسته است.^۴ به هر حال بورکهارت بدون مقدمه چینی متداول و گویی که سلسله‌ای از تالیف درباره تاریخ اروپا را شکل می دهد با مدخل زمانی قرن چهاردهم و از بستر جغرافیایی ایتالیا مستقیماً به سراغ اصل مطلب می رود. نخستین عبارت کتاب او - «جنگ میان پاچها و شهروان خاندان هوهنشتاوفن»^۵ وضعی سیاسی در ایتالیا بوجود آورد که از چندین لحاظ با وضع بقیه باختر

در بخش‌های بعدی کتاب، تاکید اساسی بورکهارت بر این است که انسان جدیدی که در ایتالیای عصر رنسانس پا به عرصه می گذارد و سرآغاز انسان جدید اروپایی است چه خصوصیتی دارد.



زمین فرق داشت نظام تیولداری...^۶ - به تشریح شرایطی از جغرافیای سیاسی شمال ایتالیا می‌پردازد که طی آن فرمانروایان مقتدر شهرهای شمالی ایتالیا قدم به صحنه گذاشتند. او ایجاد خلاء ناشی از تعارض هوهنشتاوفن‌ها از شمال و پاپ‌ها از جنوب در این جغرافیای سیاسی را مورد توجه و تاکید قرار نمی‌دهد و بدین ترتیب زمینه‌سازی مداخله نیرویی سوم یعنی فرانسه و اسپانیا در پایان رنسانس ایتالیایی و مرگ آنرا فرو می‌گذارد اما با مو شکافی خاصی نتایج حاصل از پیدایش فرمانروایان مستبد و خودکامه در دولت شهرهای ایتالیایی را به بررسی می‌نشیند و چون عنصر «فردیت» را در این فرایند جان کلام خویش می‌یابد و آنرا خصوصیتی بارز برای «فرمانرا» و «دولت» می‌بیند می‌نویسد:

«در این واحدهای سیاسی روح دولت اروپایی مدرن برای نخستین بار به آزادی تمام از انگیزه‌های خاص خود پیروی می‌کند: خودخواهی افسار گسیخته به مدتش‌ترین وجود حکمفرماست، هرگونه حق در معرض استهزا قرار دارد و هرگونه ادب و فرهنگ سالم در نطفه خفه می‌شود. ولی آنجا که این گرایش شریر از میان می‌رود یا به نحوی از انجا تعدیل می‌شود، پدیده‌های تازه و جاندار گام در ساحت تاریخ می‌نهد: دولت به عنوان ابداعی آگاهانه و محاسبه شده، و همچون اثری هنری. چه در دولت شهرهای جمهوری و چه در شهریارهای استبدادی، روح دولت به صور گوناگون متجلی می‌گردد و شکل داخلی و سیاست خارجی آنها را معین می‌کند.»^۷

بدین ترتیب بخش اول کتاب با عنوان «دولت همچون اثر هنری» آغاز می‌گردد. در این بخش او زمینه‌ای سیاسی هرچند نه بطور کامل زمانمند را به خواننده عرضه می‌کند و تصویری یکجا و یکپارچه از اوضاع سیاسی - تاریخی ایتالیای عصر رنسانس ارائه می‌نماید. بخش بعدی کتاب بیان استنباط‌ها و استنتاج‌های او از همین دوران تاریخی است. فهرست کامل کتاب که به منظور احاطه و اشراف خواننده این نوشتار عرضه می‌گردد بدین شرح است:

بخش اول: دولت همچون اثر هنری
مقدمه

فصل اول: ایتالیا در قرن چهاردهم میلادی

فصل دوم: فرمانروایان قرن چهاردهم

فصل سوم: فرمانروایان قرن پانزدهم

فصل چهارم: جباران کوچک

فصل پنجم: خاندانهای شهریاری بزرگ

فصل ششم: مخالفان جباریت

فصل هفتم: دولت‌شهرهای جمهوری: ونیز و فلورانس

فصل هشتم: سیاست خارجی دولت‌های ایتالیایی

فصل نهم: جنگ همچون اثر هنری

فصل دهم: مقام پاپ و خطرهایی که با آن پیوسته بود

خاتمه بخش اول: وطن پرستان ایتالیا

بخش دوم: شکوفایی شخصیت فردی

فصل اول: دولت ایتالیایی و شخصیت فردی

فصل دوم: تکامل شخصیت

فصل سوم: شهرت و افتخار در دوره رنسانس

فصل چهارم: طنز و استهزا و بذله مدرن

بخش سوم: احیای فرهنگ دوران باستان

فصل اول: مقدمه

فصل دوم: خرابه‌های رم

فصل سوم: نویسندگان و شاعران دوران باستان

فصل چهارم: اومانسیم در قرن چهاردهم

فصل پنجم: دانشگاهها و مدارس

فصل ششم: مروجان فرهنگ دوران باستان

فصل هفتم: تقلید دوران باستان

فصل هشتم: رساله‌نویسی و تاریخ‌نگاری به زبان

لاتینی

فصل نهم: فرهنگ دوران باستان به عنوان منبع

عمومی

فصل دهم: شعر لاتینی جدید

فصل یازدهم: انحطاط اومانسیم در قرن شانزدهم

بخش چهارم: کشف جهان و انسان

فصل اول: سفرهای ایتالیاییان

فصل دوم: علوم طبیعی در ایتالیا

فصل سوم: کشف زیبایی طبیعت

فصل چهارم: کشف انسان

فصل پنجم: زندگینامه‌نویسی در قرون وسطی و دوره

رنسانس

فصل ششم: وصف خصوصیات اقوام و شهرها

فصل هفتم: وصف قیافه ظاهری انسان

فصل هشتم: وصف زندگی انسانی

بخش پنجم: زندگی اجتماعی و جشنها

فصل اول: برابری طبقات

فصل دوم: لباس و مد

فصل سوم: زبان و زندگی اجتماعی

فصل چهارم: رسوم و آداب معاشرت

فصل پنجم: تربیت مرد درباری

فصل ششم: موسیقی

فصل هفتم: برابری زن و مرد

فصل هشتم: زندگی خانوادگی

فصل نهم: جشنها

بخش ششم: اخلاق و دین

فصل اول: داوری در اخلاق ایتالیاییان دوره رنسانس

فصل دوم: شخصیت فردی و اخلاق

فصل سوم: دین در زندگی روزانه

فصل چهارم: نیروی معتقدات کهن

فصل پنجم: روح رنسانس و دین

فصل ششم: نفوذ خرافات دوره باستان

فصل هفتم: شکاک و بی‌ایمانی عمومی

عنوان بخش اول با فصول دهگانه‌اش «دولت

همچون اثر هنری» در ملاحظه‌ای مقدماتی و گذرا گنج

کننده می‌نماید تا آنکه خواننده به فصل هشتم همین

بخش برسد. در ابتدای این فصل مشخص می‌شود که

منظور از اثر هنری عذیم‌النظیر بودن کنش دولت

شهرهای ایتالیایی به واسطه منش خاص و متحصربفرد

فرمانروایان مستبد آنها بوده است. یعنی شرایطی که

فردیت محض امکان استقرار امر حکومت بر قاعده‌ای

همگانی و به تعبیر قرن نوزدهمی «علمی» را غیرممکن

می‌ساخت. کلام بورکهارت که چنین استنباطی را برای

راقم این سطور موجب شده این است:

«همچنانکه سازمان داخلی بیشتر دولت‌های ایتالیایی

اثری هنری، یعنی آفرینشی آگاهانه و متنی بر اندیشه و

استوار بر شالوده‌ای حساب شده، بود ارتباطشان با

یکدیگر و با دولتهای دیگر نیز می‌بایست اثری هنری

باشد. این واقعیت که تقریباً همه آن دولت‌ها از طریق

غضب و قهر و غلبه نسبتاً جدید به وجود آمده بودند، چه

در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی آنها اثری

وخیم داشت. رفتار هیچ یک از آن دولتها در برابر دیگران

فارغ از احتیاط و کتمان نبود و همان قماری که هنگام

تأسیس و تحکیم حکومتشان به بارشان رسیده بود در

رفتار با همسایگانشان نیز به کار گرفته می‌شد. در حقیقت

صلح و جنگ بسته به میل و اراده فرمانروا نبود، و همه

فرمانروایان نامشروع مجبور بودند همواره در حال جنبش

باشند و به توسعه قلمرو خویش بکوشند. بدین سان ایتالیا

زادگاه نوعی «سیاست خارجی» می‌شود که به تدریج در

کشورهای دیگر نیز به صورت نظام حقوق بین‌الملل رایج

در می‌آید. واقعیتی، و فراغت از هرگونه پیشداوری و قید

اخلاقی، در سیاست خارجی به چنان درجه کمالی

می‌رسد که بعضی اوقات خالی از ظرافت و عظمت نیست

در حالی که کل آن همچون ورطه‌ای شوم و دهشت‌انگیز

می‌نماید.

تاریخ سیاست خارجی ایتالیا در این دوره داستانی

است از یرنگها و اتحادیه‌ها و مسلح شدن‌ها و رشا و ارتشا و

خیانتها.»^۸

بیان چنین خصوصیتی از دولت برای خواننده

امروزی که شاهد توسعه قواعد و ضوابط روابط بین‌الملل

است بیشتر جای تأسف و تعجب دارد که در پی توصیف

طولانی بورکهارت از دولت شهرهای ایتالیایی و

فرمانروایانشان در فصول اول تا هشتم صورت گرفته

است. به عنوان مثال توصیفات او درخصوص تاثیر

اوضاع سیاسی ایتالیا در رفتار سیاسی گروه‌ها و

فرمانروایان چنین است:

«... در برابر این قدرت متمرکز هرگونه مخالفتی در

درون کشور غیرممکن بود. زورگویی و استبداد در همه جا

حکمفرمایی می‌کرد و همه امکانات بازگرداندن حکومت

جمهوری به دوششهرها از میان برداشته شده بود. اشراف،

اعم از گونلف‌ها و گیلین‌ها، با وجود جامه‌های پرشکوه و

جلال و کلاهای مزین به پرهای رنگارنگ، فاقد حقوق

سیاسی بودند، و مردان متفکر مانند ماکیاوولی نیک

می‌دانستند که دوششهرهایی مانند نابل و میلان فاسدتر از

آند که حکومت جمهوری بتواند در آنها مستقر گردد. هر

دو گروه اشراف به سرونشتی عجیب دچار آمده بودند و

ضالیشان منحصر به کشمکشهای شخصی و خانوادگی

بود. هنگامی که آگریافون تسهیم به یکی از شهریاران

ایتالیایی توصیه کرد که هر دو گروه را از میان بردارد،

شهریار پاسخ داد: از کشمکش‌های ایشان هر سال دوازده

هزار سکه طلا جریمه عاید من می‌شود؛ و وقتی که مثلاً در

سال ۱۵۰۱ در اثنای بازگشت لودویکو مورو به قلمرو

خودش، گونلف‌های شهر تورونا از بخشی از سپاه فرانسه

خواهش کردند که به شهر بیایند و گیلین‌ها را تار و مار کنند

فرانسویان آمدند و نخست دارایی خود گونلف‌ها را

غارت کردند و سپس به جان گیلین‌ها افتادند و شهر را با

خاک یکسان ساختند. در رومانی که هیجان و انتقام‌گیری



تاکید می‌نمایم نقش اصلی این کتاب برای فرهنگ تاریخی ما تصحیح استنباط‌های نادرست و تصورات خلاف واقع از رنسانس و نمودن چهره‌های واقعی، روشن و دقیق از پدیده رنسانس است هرچند برای خواننده ایرانی علاقمندی به یافتن نسبت خویش با رنسانس ایجاد می‌کرد توضیحات و مقدمات کافی و وافی بر این کتاب افزوده شود. بخصوص در زمینه هنر و ادبیات و آثار ادبی و هنری که برای بسیاری آوازه رنسانس از آن روست.

پانویس‌ها:

- ۱- یاکوب، بورکهارت، فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۹.
- ۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن؛ رنسانس، مترجمان صفدر تقی‌زاده و ابوطالب صارمی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- ۳- یاکوب، بورکهارت، پیشین، ص ۱۳
- ۴- همان، ص ۱۲-۹
- ۵- Hohenstaufen خاندان شهریاری آلمان و سیسیل از حدود ۱۰۵۰ تا ۱۲۶۸ میلادی. (توضیح مترجم)
- ۶- بورکهارت، پیشین، ص ۱۸
- ۷- همان، ص ۱۹-۱۸
- ۸- همان، ص ۹۷
- ۹- همان، ص ۶۷
- ۱۰- همان، ص ۱۳۰
- ۱۱- همان، ص ۱۶۹ به بعد

پایان ناپذیر می‌نمود، آن هر دو نام محتوای سیاسی خود را به کلی از دست داده بودند. یکی از علایم جنون سیاسی این بود که گولت‌ها معتقد بودند موظفند هواخواه فرانسه باشند و گیلین‌ها از اسپانیا طرفداری می‌کردند. به عقیده من آنان که می‌کوشیدند از این جنون فایده‌ای ببرند چندان حاصلی از کوشش خود بر نداشتند. فرانسه پس از هر مداخله‌ای در ایتالیا، مجبور شده است از شبه جزیره عقب‌نشینی کند و فایده‌ای که اسپانیا از ویران ساختن ایتالیا برده است بر همه روشن است.^۹

در مجموع از این‌گونه توصیف‌ها در خصوص مسائل سیاسی جامعه ایتالیا در بخش نخست فراوان است و برای خواننده‌ای که از رنسانس فقط نقاشان و پیکر تراشان و آثار بدیع هنری و ادبی را می‌شناسد موجب تحقیر و تحسر می‌گردد. حتی نویسنده کتاب نیز در پایان همین بخش در فصلی با عنوان وطن پرستان ایتالیا تلویحاً تاسف خود را در خصوص ایتالیا ابراز می‌دارد و با مقایسه میان ایتالیایی‌ها و ملل دیگر اروپا علل و زمینه‌های عقب ماندن ایتالیایی‌ها از ترقیات اروپا پس از رنسانس را بر می‌شمارد.^{۱۰} امری که تا اواسط قرن نوزدهم تشکیل دولت واحد ملی در ایتالیا را غیرممکن ساخت.

بخش بعدی کتاب به مباحث غیرسیاسی تاریخ رنسانس ایتالیایی می‌پردازد و در مباحثی چون شکوفایی شخصیت فردی، احیای فرهنگ دوران باستان، کشف جهان و انسان، زندگی اجتماعی و جشن‌ها و سرانجام اخلاق و دین، شرایط فرهنگی و تمدنی ایتالیایی عصر رنسانس را بازگو می‌کند. در آنجا تاکید اساسی او بر این است که انسان جدیدی که در ایتالیایی عصر رنسانس پا به عرصه می‌گذارد و سرآغاز انسان جدید اروپایی است چه خصوصیتی دارد. در حقیقت او به انسان‌شناسی تاریخی عصر رنسانس اهتمام می‌ورزد و بدین ترتیب روح فرهنگ اومانیزستی عصر رنسانس را با ظرافت خاصی بازگو می‌کند. بدین لحاظ برخلاف بخش نخست، بخش‌های دیگر فقط برای اهل تاریخ نیست و پژوهشگران عرصه‌های اخلاق، ادبیات، دین، سیاست ... را نیز می‌تواند به‌طور این مضامین در عصر رنسانس و در مقدمه تمدن جدید غرب آشنا سازد.

برای اهل تاریخ شاید مهمترین بخش از کتاب بورکهارت احیای فرهنگ باستان باشد امری که واژه رنسانس اساساً به خاطر آن وضع شد. او از اقدامات ادیبان و هنرمندان در این خصوص و تاثیر شرایط فرهنگی ایتالیا و وجود بقایای آثار و ابنیه روم در این خصوص سخن می‌گوید و در همین بخش است که اومانیزم در عصر رنسانس را به بررسی می‌نشیند.^{۱۱}

کوتاه سخن آنکه بورکهارت با تسلط و توانایی درخور تحسینی کلیه ابعاد و جوانب رنسانس در ایتالیا را مورد بررسی قرار داده و اثری پر مطلب هرچند در حجمی اندک را به خواننده مشتاق عرضه نموده است. مترجم محترم نیز به خوبی کلام کوتاه اما گویای او را منعکس کرده است. در حقیقت ایشان خلاء ناشی از فقدان این کتاب را که از بهترین آثار تحقیقی در باب رنسانس و مورد نیاز مبرم دانشجویان تاریخ بود را پاسخ گفته‌اند.

▲ تصویر پائینا (شاعر ایتالیایی) در حضور باب سیکستوس چهارم اثر Melozzo da Forlì

